**قناعت**

**حضرت بهاءالله:**

1 - " أَصْلُ الْعِزَّةِ هُوَ قَنَاعَةُ الْعَبْدِ بِمَا رُزِقَ وَالْإِکْتِفَاءُ بِمَا قُدِّرَ لَهُ " (لوح مبارک اصل کلّ الخير)

2 - " أَن الْزَمِ الْقَنَاعةَ فِي کُلّ الْأَحْوَالِ بِهَا تَسْلَمُ الْنّفْسُ مِنَ الْکِسَالَةِ وَسُوْءِ الْحَالِ " .

(لوح مبارک طبّ - ص ٢٢٣مجموعه الواح حضرت بهاءاللّه)

3 - " ای ساذج هوی حرص را بايد گذاشت و بقناعت قانع شد زيرا که لازال حريص محروم بوده و قانع محبوب و مقبول "

(ق ٥٠ کلمات مکنونه)

4 - " ای پسران دانش چشم سر را پلک بآن نازکی از جهان و آنچه در اوست بی بهره نمايد ديگر پرده آز اگر بر چشم دل فرود آيد چه خواهد نمود " . (ص ٢٦٣ مجموعه الواح حضرت بهاءاللّه و ص ٦ دريای دانش)

5 - " جان گنجينه راز منست او را بدست آز مسپاريد " (ص ٢٦٥ مجموعه الواح حضرت بهاءاللّه و ص ٨ دريای دانش)



**حضرت عبدالبهاء:**

1 - " قناعت در هر موردی محبوب است حتّی در تجارت . مقصد سهولت معيشت است زيرا ثروت موقّت است و توسيع دائره تجارت سبب پژيشانی حال و عاقبت ندارد " (ص ٢٢٩ج ٥ مائده آسمانی ط ١٢٩)

2 - " اسراف هميشه انسان را ملول و سرگردان نمايد . من اگر می بينيد بعضی تعارفات و مخارجات مينمايم جميع محض اداء وظائف دينيّه و ملاحظات امراللّه است بعد نتائج آنها معلوم خواهد شد . در ايّام بغداد و ادرنه من کلاه و لباس چند ساله ای که تار و پودش از هم گسسته بود داشتم و ابداً راضی بقرض نميشدم حال هم اگر نظر به بعضِ امور و ملاحظات نبود ، محقّر تر و ارزانتر محلّی از محلّات اين شهر ميگرفتم . هر چيزی برای رفع احتياج است حتّی خوراک ولی زياده از احتياج سبب افسردگی و کسالت و منتهی بمرض و علّت گردد " (ص ٥ - ٣٢٤ ج ٢ بدائع الآثار)

3 - " ممکن نيست که از برای اهل عالم قناعت حاصل شود مگر بقوّه ايمان ..." (ص ٥٤ ج ٤ مکاتيب حضرت عبدالبهاء)

****